

پو، ادگار آلن، ۱۸۰۹-۱۸۴۹. Poe, Edgar Allan
کلاغ گزیده شعرهای ادگار آلن پو / برگردان سپیده
جدیری. -- تهران: ماه‌ریز، ۱۳۸۵.
۱۲۸ ص. ۱۷۰، ۱۲۱ م.م.

ISBN 964-7729-63-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
عنوان به انگلیسی: The Raven selected poem.
۱. شعر آمریکایی -- قرن ۱۹ م. -- ترجمه شده به
فارسی. ۲. شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از
انگلیسی. الف. جدیری، سپیده، ۱۳۵۵ - م. مترجم. ب.
عنوان. ج. عنوان: گزیده شعرهای ادگار آلن پو.

۸۱۱/۳

PS ۱۵۳۵

۱۳۸۵

۸۴-۲۲۱۹۱

کتابخانه‌ی ملی ایران

/ کلاغ / گزیده شعرهای ادگار آلن پو / برگردان سپیده جدیری /
/ حروف‌نگار، صفحه‌آرا حمید قربان‌جو / طراح جلد ابوالفضل شاهی /
/ لیتوگرافی کارا / چاپ فرارنگ / صحافی فاروس /
/ چاپ اول ۱۳۸۵ / شمارگان ۲۲۰۰ /
/ نشر ماه‌ریز، تهران www.mahriz.net /
/ پست الکترونیک info@mahriz.net /
/ شابک ۹۶۴-۷۷۲۹-۶۳-۴ / ISBN 964-7729-63-4

کلاغ

گزیده شعرهای ادگار آلن پو

برگردان: سپیده جدیری

پیشگفتار

«ادگار آلن پو» در مقاله‌ی معروف خود، «فلسفه‌ی سرودن» گفته است که در شعرهایش بیش از هر مضمون دیگری به مضمون اندوهناک از دست دادن زنی زیبا پرداخته است. با وجود آثار ادبی بی‌شماری که درباره‌ی عشق نوشته شده به نظر می‌رسد پو بسیار بیشتر از هم‌عصران خود در سرودن شعرهایش به چنین موضوعی توجه داشته است.

با تمام سورئالیسمی که در پرداخت شخصیت‌های مرد آثار پو به کار رفته، تأثیرگذاری آنها به نسبت شخصیت‌های زن بسیار اندک است. «شارل بودلر» می‌گوید: «زن‌های پو جملگی درخشان و بیمارند، از بیماری‌های عجیب می‌میرند، با صدایی که به موسیقی می‌ماند حرف می‌زنند...»^۱

برخلاف شخصیت‌های زن غزل‌سرایان، این زن‌ها غالباً از بنیه‌ی ضعیفی برخوردارند و این می‌تواند به عدم امنیتی بازگردد که پو با مرگ

۱ شناخت ادگار آلن پو - ترجمه‌ی ویما اسکینی - نشر دشتستان

محبوب‌ترین زنان زندگی‌اش، در روح تنهای خود احساس می‌کرده است. چه در زندگی و چه در آثار پو، عشق و مرگ به شکلی لاینفک درهم تنیده شده و هر دو به عنوان هدف غایی، ذهن او را به سمت مضمون‌های دهشتناک سوق داده است. برخی او را تنها یک فروشنده‌ی داستان‌های ترسناک می‌دانند که الگوی آنها را هم از داستان‌های آلمانی عصر خود وام گرفته است. اما خود پو در پیشگفتار «داستان‌های گروتسک و عربسک» می‌گوید: «وحشت نه از آلمان، که از روح نشأت گرفته است». بدین ترتیب، دلبستگی‌های پو است که منشأ وحشت روح، به‌ویژه برای خود او می‌شود.

ادگار پو در ۱۹ ژانویه ۱۸۰۹ در بوستون متولد شد. پدر و مادر او از بازیگران فقیر تئاتر بودند. پدر که همیشه نقش‌های کم‌اهمیتی را بر عهده می‌گرفت سرانجام به الکلی پناه آورد و خیلی زود هم درگذشت. از آن پس مادر به تنهایی بار مسئولیت و نگهداری سه فرزند خردسالش را به دوش کشید؛ درحالی که درآمد بازیگری به‌سختی می‌توانست نیاز فرزندان او را برآورده سازد. بدتر این که به بیماری سل مبتلا شد و چهره‌ی رنگ‌پریده و سرفه‌های او برای همیشه در ذهن پو نقش بست.

ادگار — اگرچه نه به‌طور رسمی — توسط «جان آلن» و همسرش که ساکن ریچموند ویرجینیا بودند به فرزندپذیری پذیرفته شد و از آن پس نام او به «ادگار آلن پو» تغییر پیدا کرد. مادرخوانده‌ی او زنی نحیف، بیمار و بسیار دانا و مهربان بود و خود او هم در کودکی یتیم و به فرزندپذیری پذیرفته شده بود. در ۱۸۱۵، آلن‌ها به انگلستان عزیمت کردند و پوی

کوچک را در مدرسه‌ای در Stoke-Newington ثبت‌نام کردند. آنها در ۱۸۲۰ به آمریکا مراجعت کردند و پو به مدرسه‌ای خصوصی در ریچموند فرستاده شد تا برای ورود به دانشکده آمادگی پیدا کند. هرچند خانم آلن برای ادگار کوچک حکم یک قهرمان را داشت از آنجا که او دیگر بیشتر وقت خود را در مدرسه می‌گذراند به ندرت میان آنها دیداری صورت می‌گرفت. سرانجام، «راب استانرد»، دوست هم‌کلاسی ادگار که نبوغش را بسیار می‌ستود او را به مادر خود معرفی کرد و هیچ جای تعجب نیست که وقتی ملاقات با خانم آلن برای پوی جوان میسر نباشد، به جستجوی مادر جدیدی بشتابد و این مادر جدید کسی جز خانم استانرد نبود. به علاوه، این خانم به نوعی هم به مادر او و هم به خانم آلن شباهت داشت: بیمار بود. تشابه مرگ خانم استانرد که یک سال پس از آشنایی با پو در اثر بیماری روحی درگذشت با آنچه برای «مادلین» در داستان «پاییز خانه‌ی راهنما» نوشته‌ی پو روی می‌دهد انکارناپذیر است. خود پو هم در جایی گفته است که خانم استانرد الهام‌بخش شعر جاودانه‌ی او، «به هلن» بوده است.

ادگار در ۱۷ سالگی وارد دانشگاه ویرجینیا شد، اما پس از یک سال، در ۱۸۲۶ به خاطر بدهی‌هایی که در قمار بالا آورده بود، از دانشگاه اخراجش کردند.

شایع است که در این میان، ادگار جوان دل‌باختگی «المیرا رویستر» شده بود. المیرا از ادگار به عنوان نامزد خود یاد کرده است؛ پسری کم‌حرف، خوش‌قیافه و بسیار دست و دل‌باز. المیرا گفته است زمانی که ادگار در دانشگاه به سر می‌برده، پدرش نامه‌های ادگار را مخفی کرده، به‌طوری که تا مدت‌ها از وجود آنها بی‌اطلاع بوده و به همین خاطر هم با

مرد دیگری ازدواج کرده است.

بدین ترتیب، شکاف عمیقی که به خاطر مرگ مادر در زندگی پو ایجاد شده بود، هیچ‌گاه پر نشد.

او پس از اخراج از دانشگاه به بوستون عزیمت کرد و به عضویت ارتش درآمد. سپس نخستین مجموعه شعر خود را به نام «تیمور لنگ» در ۱۸۲۷ به چاپ رساند. در ۱۸۲۹، از ارتش نیز اخراج شد و مجموعه شعر دومش در همین سال به چاپ رسید. سپس در آزمون ورودی مدرسه‌ی نظام «وست پوینت» پذیرفته شد، اما پس از چند ماه در آنجا هم نام او خط خورد.

تراژدی یا مرگ خانم آلن به خاطر بیماری سل ادامه پیدا کرد. آقای آلن مجدداً ازدواج کرد که ثمره‌ی این ازدواج، تولد وارثی جدید بود. پدرخوانده‌ی پو پیش از مرگش در ۱۸۳۴ تمام ارثیه‌ی خود را به وارث جدیدش بخشید و بدین ترتیب، تمام امیدهای پو برای رسیدن به ثروتی هنگفت نقش بر آب شد. او آلن‌ها را برای همیشه ترک کرد و به نیویورک رفت. اما شرایط بد مالی پو سبب شد که به منظور زندگی با عمه‌اش به بالتیمور عزیمت کند. شوهر عمه‌ی او مرده بود و تنها یک ملک رهنی و یک خانوار را برای عمه باقی گذاشته بود. بدین ترتیب پو هم به جمع آنها اضافه شد، در آنجا بود که به داستان‌نویسی روی آورد و جایزه‌ی داستان کوتاه Baltimore Saturday Visitor را به خاطر داستان «دست‌نوشته‌ای در بطری» از آن خود کرد، که شغلی را هم در مجله‌ی Southern Literary Messenger در ریچموند برایش به دنبال داشت.

پو در ۱۸۳۶ با دختر عمه‌ی ۱۴ ساله‌اش ازدواج کرد و در ۱۸۳۷،

درحالی که مجله‌ی Messenger با داستان‌ها و شعرهای او به شهرتی سراسری دست یافته بود، خسته از روزمرگی، کار در آن مجله را رها کرد و همراه با خانواده‌اش به نیویورک عزیمت کرد. پوها در ۱۸۳۸ به فیلادلفیا نقل مکان کردند و در آنجا بود که باز زن-مرگی چون طلسمی گریزناپذیر در زندگی پو ظاهر شد: همسر او به بیماری لاعلاجی مبتلا شد و چند سال بعد در اثر آن مُرد.

در ۱۸۴۰، داستان‌های «گروتسک» و «عربسک» از پو در دو جلد به چاپ رسید، اما او در همان سال شغل خود را در مجله‌های Burton's Gentleman's و Graham از دست داد، حال آن‌که هر دو مجله تحت سردبیری پو دامنه‌ی فعالیت خود را به‌طور چشم‌گیری گسترش داده بودند.

در ۱۸۴۴، پو و خانواده‌اش دوباره زندگی در نیویورک را برگزیدند. چاپ کتاب «کلاغ» در ۱۸۴۵، شهرت زیادی را برای او در پی داشت و چاپ مجموعه‌ای جدید از داستان‌هایش به این شهرت افزود. همسر جوان او سرانجام در ۱۸۴۷ درگذشت و تا دو سال پس از مرگ او تمام آنچه پو منتشر کرد تنها چهار شعر بود: «آنا بل لی»، «برای آنی»، «اولالیوم» و «سرزمین زر».

سه سال پس از مرگ همسرش، یک روز صبح، او را مست لایمقل و درحالی که هذیان می‌گفت در جوی آبی پیدا کردند و این ماجرا منجر به مرگ او در صبح یکشنبه ۱۷ اکتبر ۱۸۴۹ در بیمارستان شد.

سپیده جدیری